

گفتگوی اختصاصی با مصطفی تقی زاده کارگردان فیلم سینمایی «زرد»

از اصغر فرهادی دنباله روی نکردم!



فیلم سینمایی "زرد" چند روزی است که روی پرده سینماها رفته و به فروش خوبی هم دست یافته است. "مصطفی تقی زاده" فیلمساز جوان کشورمان که در ۳۰ سالگی این فیلم را به عنوان نخستین فیلم سینمایی اش ساخته، دانش آموخته ی سینماست. او قبلاً چند فیلم کوتاه ساخته و در آثاری مثل "چند متر مکعب عشق"، "مادر پاییزی"، "کلاشینکف" و

"جاده باریک" به عنوان دستیار کارگردان و برنامه ریز حضور داشته است.

گفتگوی ما با تقی زاده مفصلتر از اینها بود اما به خاطر اینکه خطر لو رفتن قصه برای کسانی که هنوز فیلم را ندیده اند وجود داشت؛ مجبور شدیم بخشهایی از آنرا حذف کنیم.

*** ایده اولیه فیلمنامه از کجا شکل گرفت؟**

- حدود چهار سال قبل یک ماجرای واقعی در روزنامه خواندم و این جرقه در ذهنم زده شد که اگر یک آدم در حال مرگ باشد و یک نفر هم بتواند او را از مرگ نجات دهد اما بابت این کمک کردن، شرط بگذارد و به طرف مقابل بگوید اگر این کار انجام بشود من کمک می کنم، چه اتفاقی می افتد؟ این خط اصلی فیلمنامه بود و بعد شخصیتها و خرده داستانهایی را به آن اضافه کردم تا کامل شد.

*** چرا "زرد"؟**

- "زرد" رنگ آدمهای این فیلم است. اصلاً منظورمان نفرت، جدایی و آن تعریفی که از رنگ زرد در جامعه وجود دارد نبود. رنگ زرد در روانشناسی رنگها قوی ترین رنگ است و نشان دهنده امید، تلاش و تکاپو است. آدمهای فیلم من هم هر کدام برای رسیدن به اهداف و ایده آلهای خود مشغول تلاش هستند.

*** عده ای عقیده دارند "زرد" مثل خیلی از فیلمهای اجتماعی سالهای اخیر دنباله روی موجی است که اصغر فرهادی با "درباره الی" راه انداخت....**

- می شود بفرمایید که کجای "زرد" شبیه "درباره الی" است؟

*** اینکه یک جمع شاد و سرخوش، درگیر یک اتفاق می شوند و یک سری رازها برملا می شود و در نهایت آن جمع از هم می پاشد....**

- این یک ژانر نیست. یک فضا سازی است. پیش از "درباره الی" هم در سینمای جهان فیلمهای زیادی ساخته شده که یک جمع دوستانه دچار بحران می شود ولی چون در سینمای ما فیلمهای آقای فرهادی خیلی برجسته هستند بعضی ها فکر می کنند این نوع فیلمسازی هفت هشت سال است در ایران راه افتاده، در حالیکه این طور نیست.

*** شاید منظورشان تم فیلمهای آقای فرهادی باشد که درباره خیانت، دروغ و پنهانکاری است....**

- اتفاقاً در فیلم "زرد" کسی پنهانکاری نمی کند. همه چیز خیلی "رو" پیش می رود.

*** اما شخصیت حامد به دور از چشم همسرش کاری کرده که پنهان مانده و در آخر فیلم برملا می شود. این پنهان کاری نیست؟**

- به نظر من پنهانکاری نبوده. چون یک نفر از همان جمع دوستانه در جریان بوده است. از طرف دیگر، گذشته ای که حامد دارد یکی از خرده پیرنگهای فیلمنامه است....

*** شما در نقطه عطف اول فیلمنامه یک بحران می کارید که همان تصادف است اما بعد، این موضوع رها می شود تا در نقطه عطف دوم، که آدمهای مرتبط با آن تصادف را وارد قصه می کنید.**

- ببینید؛ ماجرا اصلاً آن تصادف نیست. تصادف یک نیروی محرک است و خط اصلی فیلم، چیز دیگری است... اتفاقاً خیلی از نویسنده ها و اهالی فن که با من صحبت می کردند این را یکی از نقاط مثبت فیلمنامه می دانستند. چون تماشاگر فکر می کند که ما قرار است ماجرای تصادف را پیگیری کنیم اما بلافاصله یک اتفاق جدیدتر در سکانس بعد می افتد که تبدیل به بحران می شود. وقتی هم که در انتهای فیلم به یک شکل دیگر به آن تصادف رجوع می کنیم آدمهای فیلم از آنچه اتفاق افتاده آگاه نیستند اما تماشاگر می داند که چه اتفاقی افتاده ولی صدایش به آدمهای فیلم نمی رسد که بگوید واقعیت یک چیز دیگر است و حامد مقصر نیست... تماشاگر می خواهد فریاد بزند که دارید اشتباه قضاوت می کنید....

*** فیلمنامه از این منظر، چفت و بست محکمی دارد. شاید به خاطر همین دقت در جزئیات بوده که فیلمنامه "زرد" در روسیه جایزه گرفت....**

- شما حتماً می دانید که گرفتن جایزه "فیلمنامه" در جشنواره های خارجی از گرفتن جایزه "کارگردانی" سخت تر است. به این دلیل که داوران، زبان اصلی را نمی فهمند. فقط باید بخوانند تا متوجه ماجرا شوند. وقتی ما جایزه بهترین فیلمنامه را در روسیه گرفتیم یکی از داورها گفت فیلمنامه "زرد" آنقدر با جزئیات درست، مخاطب را همراه می کند که دیدیم هیچ دلیلی وجود ندارد به شما جایزه ندهیم!

*** یکی از موضوعاتی که شما در فیلمتان به آن پرداخته اید مساله اهدای عضو است. این موضوع چقدر دغدغه شخصی شماست؟**

- اهدای عضو یک مساله حیاتی و انسانی است که باید بیشتر از اینها فرهنگش در جامعه نهادینه شود. اما آسیبهایی هم در این حوزه وجود دارد. درست است که با اهدای یک عضو، جان یک نفر از مرگ نجات پیدا می کند اما ممکن است بر اثر یک اشتباه، جان یک نفر هم گرفته شود. متأسفانه دلالتها و واسطه ها در اطراف بیمارستانهای معروف، حضور پررنگی دارند. اطرافیان بیمار هم که برای پیوند عضو، وقت کمی دارند در دام این افراد می افتند. ما می خواستیم هشدار بدهیم که مردم راه غیرقانونی و میانبر را انتخاب نکنند تا در دام کلاهبرداران نیفتند. ما در فیلم می گوئیم بهترین راه برای پیوند عضو، لیست انتظار وزارت بهداشت است.

*** بازیگرانی که در فیلم حضور دارند انتخابهای اولتان بودند؟**

- ما بهمن ۱۳۹۴ می خواستیم فیلم را کلید بزنیم اما سه نفر از بازیگران در آن زمان نمی توانستند در کنار ما باشند. بنابراین ما به سراغ گزینه های دیگر رفتیم که این پروسه مقداری طولانی شد و فیلمبرداری تا فروردین سال ۹۵ عقب افتاد و وقتی دوباره به سراغ این دوستان رفتیم وقتشان آزاد بود و این همکاری شکل گرفت.

*** در انتخاب بازیگران چقدر به نقشهای قبلی آنها توجه داشتید تا در دام تکرار نیفتند؟**

- من همه این بازیگران را می شناختم و فیلمهایشان را دیده بودم اما این طور نبود که بگویم مثلاً بهرام رادان را به خاطر بازی اش در فلان فیلم انتخاب کرده ام. چون می دانستم که او قرار است نقش شهاب را چطور بازی کند. من جنس بازی که خودم مد نظرم بود را از بازیگران گرفتم و خیلی در قید و بند نقشهای قبلی آنها نبودم. ما ۲۳ جلسه دورخوانی فیلمنامه داشتیم و در تمرینهای قبل از فیلمبرداری به یک جمع بندی از شخصیتها رسیدیم که نتیجه اش را در فیلم می بینید. دقیقاً آن چیزی که از قبل در ذهنم ترسیم شده بود را اجرا کردیم.

*** من فکر می کنم در بین بازیگران فرعی، علیرضا استادی و در بین بازیگران اصلی، مهرداد صدیقیان بازی شان یک سر و گردن از بقیه بهتر است....**

- از نظر من کار همه بازیگران قابل قبول است و مطمئن باشید اگر خوب نبودند سر صحنه اصلاح می کردیم. شاید برایتان جالب باشد بدانید در جشنواره شانگهای آقای "کریستین مونچو" رئیس هیات داوران گفت اگر این جشنواره جایزه تیمی بهترین بازیگری داشت قطعاً آنرا به فیلم شما می دادیم اما فقط به ساره بیات جایزه دادند.

*** از جشنواره شانگهای گفتید. اولین حضور بین المللی این فیلم در جشنواره شانگهای بود. درست است؟**

- بله. جشنواره شانگهای جزء جشنواره های درجه الف و معتبر دنیاست. خیلی خوب برگزار می شود و تعداد کم جایزه هایی که می دهند به کیفیت و اعتبار آن اضافه می کند. این جشنواره هفت جایزه اصلی دارد که خوشبختانه ما توانستیم دو جایزه آنرا بگیریم. من وقتی لیست هیات داوران را دیدم واقعا افتخار کردم که کارم توسط گروهی از بهترین های سینمای جهان مورد توجه قرار گرفته است.

*** ظاهراً بعد از چین هم از روسیه جایزه گرفتید....**

- بله. بعد از شانگهای، فیلم به سومین جشنواره بین المللی "پل هنر" در روسیه رفت و ما



آنجا جایزه بهترین فیلم و فیلمنامه را گرفتیم. در هر دو جشنواره هم فقط فیلم ما، فیلم اولی بود.

*** الان مشغول چه کاری هستید؟**

کمی درباره فیلم دوستان صحبت کنید....

- فیلمنامه کار جدیدم تمام شده. هنوز اسمی ندارد اما موضوعش اجتماعی است و با "زرد" تفاوت دارد. ترجیح من این است

که بتوانیم زمستان امسال کار را کلید بزنیم.